

آموزش امنیت

بررسی مفهوم نقش رسانه‌ها، آموزش و پرورش، و خانواده در آموزش امنیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

فاطمه شهرزاد بخشایش

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

مقدمه

امنیت از نیازهای اساسی انسانی به‌شمار می‌رود، به‌طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد. مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است، چنان‌که مازلو در سلسله مراتب نیازها، احساس امنیت را بلافاصله پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می‌دهد. موضوع امنیت در متون دینی - اسلامی ما نیز همواره مورد توجه بوده است. **امیرالمؤمنین علی (ع)** فرموده‌اند: «بدترین جا برای سکونت جایی است که ساکنین در آن امنیت نداشته باشند». (دایرةالمعارف جامع اسلامی، ج ۲: ۵۲۳).

امام صادق (ع) نیز در این باره فرموده‌اند: «سه چیز است که عموم مردم بدان نیازمندند: امنیت، عدالت و فراوانی نعمت» (پیشین). یکی از مشهورترین آیات قرآن کریم که به موضوع «امنیت» اشاره دارد، آیه ۱۲۶ سوره مبارکه «بقره» است که مشتمل بر دعای پیامبر بزرگ خداوند، **حضرت ابراهیم (ع)** درباره سرزمین و مردم مکه است: «وبه یادآور هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را، که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده‌اند، از ثمرات (گوناگون) روزی رسان». در قرآن کریم آمده است که ریشه امنیت در ایمان نهفته است و این هم در حوزه فردی و اجتماعی جاری است. فرد بی ایمان و بریده از معنویات هرگز به امنیت حقیقی دست نخواهد یافت.

امنیت اجتماعی یکی از شاخه‌های امنیت و همانا مایه آرامش و آسودگی خاطر است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد کند (رجبی، ۱۳۸۲: ۱۴). امروزه پیشرفت فناوری زندگی اجتماعی و جمعی را به‌شدت متحول کرده و روابط اجتماعی متأثر از عصر مدرنیته پیچیده‌تر شده است. اینترنت، ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، سینماهای چند بعدی و... جایگزین روابط انسانی شده‌اند که تأثیرات پیدا و پنهان آن‌ها، اهمیت و ارزش مفهوم امنیت اجتماعی را فزونی بخشیده‌اند.

در کشور ما امنیت اجتماعی به‌دلیل نسبت بالای جمعیت جوان اهمیت ویژه‌ای دارد. بدیهی است که آسیب‌پذیری جوانان در مقابل آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، جرم و جنایت، پرخاشگری، خشونت، بزهکاری و... بالاست. در نتیجه نخستین گام در تأمین امنیت اجتماعی می‌تواند آموزش امنیت اجتماعی باشد. به‌همین دلیل در نوشتار حاضر به جایگاه سه نهاد اجتماعی، **خانواده، نظام آموزشی و رسانه** که در امر آموزش امنیت اجتماعی افراد نقش آفرینی می‌کنند، پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش، امنیت اجتماعی، امنیت

مفهوم امنیت اجتماعی

در تعریف لغوی، «امنیت» محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید است. در فرهنگ لغات، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن آمده است (فرهنگ معین، ۱۳۶۳: ۳۵۲). در «دانش نامه سیاسی» آمده است: «امنیت در لغت، حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید یا حمله را گویند (آشوری، ۱۳۷۰).

در واقع امنیت یعنی رفع خطر و رفع خطر یعنی استفاده بهینه از فرصت. بنابراین باید چنین نتیجه گرفت که امنیت دارای دو عنصر اساسی **تهدید** و **فرصت** است و برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌هاست (خلیلی، ۱۳۸۱: ۲۴۸). به این ترتیب، امنیت شامل دو وجه است: در وجهی تحقق امنیت در گرو «نبود خطر» است و در وجه دیگر، امنیت عبارت است از «کسب فرصت‌ها و تضمین منافع و ارزش‌ها».

کارل دبلیو دویچ در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: «منظور از امنیت اجتماعی، گروه هم‌پسته‌ای از مردم در یک سرزمین (قلمرو) در امتداد زمانی است که احساس جمعی بسط یافته و نهادی شده، آداب و رسوم فراگیر، قدرتمند و به اندازه کافی قابل اطمینان دارند. چنین امنیتی حیات اجتماعی را در زمانی طولانی بیمه می‌کند و سبب می‌شود که مردم تغییراتی آرام و تسوأم با انتظارات قابل پیش‌بینی را تجربه کنند.» وی در تعریف کاربردی خویش، امنیت اجتماعی را برابر با سطح توسعه انسانی و سطح نابرابری اقتصادی در نظر می‌گیرد (Goetschel, 1999).

گکز (۱۹۹۳) معتقد است: «امنیت اجتماعی در یک مفهوم وسیع، حقوق بشر، توسعه، مسائل جنسیتی و موارد دیگری را که به آن برچسب امنیت انسانی زده می‌شود، در بر می‌گیرد.» وی علاوه بر مؤلفه‌های اخیر، مؤلفه‌های دیگری

نظیر عدالت در سطح ملی، ریشه‌کن کردن فقر و آزادی نسل‌های آتی برای به ارث بردن محیطی سالم را مطرح می‌سازد. **آکایر** (۲۰۰۵) در تعریف خود از ناامنی اجتماعی، بر تهدیدات خشونت‌های داخلی، بحران‌های مالی، فقر، جنگ و رفتارهای جنایی (مجرمانه) متمرکز شده است (پیشین).

مولر در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: «به‌طور عام، امنیت اجتماعی توانایی جامعه برای دوام ویژگی‌های اساسی آن در فرایندهای تغییرات محیطی و در برابر تهدیدات واقعی یا احتمالی است و به‌طور خاص، امنیت اجتماعی توانایی محافظت و حفظ شرایط قابل پذیرش برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوندهای اجتماعی، هویت ملی-مذهبی (مذاهب) و رسوم اجتماعی است.»

مک‌سوئینی در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: «امنیت اجتماعی آن است که چگونه جوامع منافع و هویتشان را خلق و باز تولید می‌کنند.» **هایزمن** نیز معتقد است: «امنیت اجتماعی بر تهدیدات علیه هویت فرهنگی بیش از حق حاکمیت دولت‌ها متمرکز است» (Bilgin, 2003).

نمونه بارز تجربی بعد اجتماعی، خانواده و مسجد است. وسیله ارتباطی در این دو واحد تعهد و دوستی است. یعنی در خانواده و مسجد عمدتاً تعهد ذخیره شده است. به تعبیر دیگر، این دو واحد غالباً به تعامل اجتماعی با یکدیگر می‌پردازند. مضامین در خانواده و مسجد، معمولاً سنت‌ها هستند. البته این دو واحد از دو جنس نسبتاً متفاوت‌اند. مسجد یک اجتماع عقیدتی است و روابط اجتماعی در آن غالباً از نوع برادری-آرمانی است، در حالی که خانواده یک اجتماع طبیعی است و روابط اجتماعی در آن از نوع برادری - خونی است.

امنیت اجتماعی مواردی چون امنیت زیستی یا بنیادی، جانی، سرمایه‌ای، قضایی و ارتباطی را نیز شامل می‌شود.

امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی عبارت است از: «ایجاد وضعیتی مطمئن، آرامش بخش و خالی از هرگونه تهدید و تعرض در انسان، نسبت به دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، باورها، ارزش‌ها میراث فرهنگی، آثار ادبی و... به عبارت دیگر، مصونیت فرهنگ فرد و جامعه از هرگونه تعرض و تهدید را امنیت فرهنگی گویند» (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۵۶).

امنیت فرهنگی در معنای عینی آن فقدان تهدید میراث فرهنگی و حفظ آثار و ارزش‌های کسب شده است و در معنای ذهنی آن، فقدان ترس از هجوم‌ها و حلقه‌هایی است که ارزش‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها را در معرض خطر استحاله و یا نابودی قرار می‌دهد.

نمونه بارز تجربی بعد فرهنگی، کتابخانه است. کتابخانه مظهر نظام منطقی جامعه است. در کتابخانه عمدتاً اندیشه‌ها ذخیره شده‌اند. واحد بسیط فرهنگ در کتابخانه، «اندیشه متنی» و رابطه عمده در آن از نوع «رابطه منطقی» است. مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، مکان‌های ارائه هنر و تفریحگاه‌ها مصداق تجربی نظام فرهنگی و اجتماعی جامعه به‌شمار می‌روند. در مدرسه اندیشه‌ها در روابط گفتگویی رد و بدل می‌شوند. در تفریحگاه، شادی و نشاط که عامل امنیت روانی است، تولید و مبادله می‌شود. پس وجود گفتمان آزاد، بدون سانسور و انتخاب شادی و نشاط از جمله شاخص‌های امنیت فرهنگی محسوب می‌شوند. امنیت فرهنگی خود به امنیت بهداشتی، روانی، اخلاقی، حیثیتی، عاطفی و حمایتی تقسیم می‌شود.

امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی و مالی به معنای ایجاد چنان نظامی در اجزا و بخش‌های گوناگون اقتصادی جامعه است که افراد را از

احساس خطر نسبت به کمبود و فقدان لوازم و امکانات اساسی مورد نیاز خود مصون دارد. نمونه بارز تجربی تعریف مفهومی بعد اقتصادی امنیت، بازار و بانک است. وسیله اصلی ارتباطی در این دو نوع واحد، پول است. یعنی در بازار و بانک ثروت مادی و پول ذخیره می‌شود و روابط غالب بین کنشگران، از نوع روابط مبادله‌ای، باید در محیطی امن صورت گیرد. بدیهی است در این نوع واحد عمدتاً محصولات و خدمات بین کنشگران مبادله می‌شوند. وجود امنیت را در این بعد، با شاخص‌هایی نظیر سرمایه‌گذاری‌ها، توزیع عادلانه ثروت، استفاده از امکانات به‌طور یکسان، مبارزه با مفاسد اقتصادی و اداری، اختلاس، ارتشا، کاهش عوارض مختلف دولتی و تعرفه‌های غیر ضروری و ثبات بازار مشخص می‌سازند.

امنیت سیاسی

به معنای فراهم نمودن امکان اظهار نظر برای افراد، پیرامون چگونگی اداره جامعه و شرکت در این گونه امور بدون احساس بیم و هراس است. نمونه بارز تجربی تعریف مفهومی بعد سیاسی، کلاتری، زندان، دادگاه و نهادهای تأمین‌کننده حقوق مدنی است (صالحی امیری، ۱۳۹۰).

نقش نهاد خانواده در آموزش امنیت اجتماعی

خانواده به‌عنوان هسته مرکزی اجتماع نقشی اصلی در تأمین امنیت افراد ایفا می‌کند. در حقیقت، اولین محیطی که فرد در آن احساس امنیت را تجربه می‌کند، خانواده است. توجه به جایگاه خانواده به‌عنوان رکن اصلی تأمین امنیت عاطفی، روانی، جسمی، فرهنگی و... می‌تواند تأمین امنیت در سطح جامعه را تضمین کند. واضح است عضویت و احساس تعلق به خانواده و تأمین نیازها و کسب امنیت در خانواده توسط افراد، به انتقال و تعمیم این حس به اجتماع منجر می‌شود و همه مردم در قبال جامعه به افراد احساس تعلق و تکلیف می‌کنند. در چنین شرایطی حفظ احترام و حقوق انسانی مردم در نتیجه حفظ و تأمین امنیت اجتماعی هم‌نوعان محقق می‌شود.

نهاد خانواده مانند سایر نهادهای اجتماعی، دارای کارکردهای متنوعی در درون خانواده و در بیرون آن، یعنی عرصه اجتماعی است. کارکرد نهاد خانواده در درون خانواده، با اثرگذاری بر اعضای خود نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. به لحاظ اینکه بین اعضای خانواده ارتباطات مستقیم و چهره‌به‌چهره وجود دارد، تأثیر متقابل بین اعضا از عمق و پایداری بیشتری برخوردار است. جامعه‌شناسان در مورد کارکردهای

امنیت اقتصادی و مالی به معنای ایجاد چنان نظامی در اجزا و بخش‌های گوناگون اقتصادی جامعه است که افراد را از احساس خطر نسبت به کمبود و فقدان لوازم و امکانات اساسی مورد نیاز خود مصون دارد. نمونه بارز تجربی تعریف مفهومی بعد اقتصادی امنیت، بازار و بانک است



اجتماعی نهاد خانواده به نکات مهمی اشاره داشته‌اند. آن‌ها نقش و کارکرد نهاد خانواده را در ساخت‌های اجتماعی، مکمل کارکرد سایر نهادهای اجتماعی از جمله نهاد آموزش و مذهب و ... دانسته‌اند و آثار آن را در تقویت هویت و امنیت اجتماعی در سطح بالایی ارزیابی می‌کنند.

وثوقی و نیک خلق علاوه بر کارکرد پرورشی و اجتماعی کردن کودکان که در ارتباط با انواع خانواده متفاوت است، به وظیفه فرزندزایی، ایجاد هویت اجتماعی، حمایت و ارشاد فرد اشاره می‌کنند (۱۳۷۵: ۱۷۴). همچنین آن‌ها کارکردهای تولید، تعلیم و تربیت و آموزش حرفه‌وفن را در خانواده سنتی روستایی مطرح می‌سازند. یکی از بدیهی‌ترین نتایج کارکرد پرورشی و اجتماعی کردن کودک، ایجاد تعلق نسبت به افراد گروه‌های اجتماعی است که بستر ساز شکل‌گیری هویت و تأمین امنیت متقابل اجتماعی محسوب می‌شود.

کوئن خانواده را به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، دارای کارکردهایی می‌داند که ماهیت آن‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت می‌پذیرد (۱۳۷۶: ۱۳۱). او در ادامه تنظیم رفتار جنسی و زاد و ولد، به مراقبت و محافظت از کودکان، ناتوانان و سالمندان، اجتماعی کردن فرزندان، تثبیت جایگاه و منزلت اجتماعی و فراهم آوردن امنیت اقتصادی به‌عنوان کارکردهای خاص نهاد خانواده اشاره می‌کند.

نوبدینیا در توضیح کارکرد عاطفی خانواده و نیاز جامعه به احساس تعلق و پیوند میان اعضا، بر این باور است که حیات جامعه در گرو احساس تعلق، وابستگی و پیوند میان اعضای آن است؛ به‌نحوی که مراقبت از احساس تعلق و تعهد افراد نسبت به یکدیگر، مهم‌ترین ضرورت حیات هر اجتماعی به‌شمار می‌رود (۱۳۸۵: ۲۹). در این مورد می‌توان گفت تنها نهادی که می‌تواند به بهترین وجه از عهده چنین ضرورتی برآید، نهاد خانواده است؛ چرا که لازمه مراقبت از احساس تعلق افراد نسبت به یکدیگر، وجود روابط عاطفی، عشق و محبت است که شکل حقیقی و واقعی آن را تنها در نهاد خانواده می‌توان یافت. آنچه گاه در سایر نهادها مشاهده می‌شود، در سطح بالایی از شکنندگی قرار دارد و ناپایدار است. این نتیجه ما را از ظرفیت نهاد خانواده در هویت و امنیت‌سازی آگاه می‌سازد؛ زیرا ابتدایی‌ترین انتظار هر فرد انسانی در روابط با دیگران، احساس آرامش، آسایش و امنیت در هم‌زیستی با آنان است.

دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی در مباحث خود معمولاً کارکردهای نهاد خانواده را به دو دسته کلی تقسیم

می‌کنند. آن‌ها از مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی به وجه نرم و از مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی به وجه سخت کارکرد نهاد خانواده یاد می‌کنند.

کارکرد نرم خانواده

الف ابعاد فرهنگی: شامل اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، نمادهای فرهنگی، کیفیت روابط و غیره در تعاملات اجتماعی است که از رویکردی به رویکرد دیگر متفاوت است. نوع انتخاب و منش نهاد خانواده که اعضای آن در ارتباط تنگاتنگ عاطفی هستند، در شکل‌دهی به هویت خانوادگی و هویت فرهنگی مؤثر است و سبب پیدایش انواع خانواده، مانند خانواده مذهبی، بی‌بند و بار و ... می‌شود.

ب ابعاد اجتماعی: شامل علقه‌ای که به واسطه ازدواج دختر با پسر بین یک خانواده با خانواده دیگری برقرار می‌شود و به سطوح متفاوت جامعه تعمیم می‌یابد، تعهد خانواده در قبال تعاملات اجتماعی مانند معامله، وام گرفتن و یا وفای به عهد، که در صورت التزام عملی و یا عدم التزام عملی، در وهله اول درونی، یعنی احساس خوشحالی و مسرت و یا احساس گناه و تقصیر است و در وهله دوم بیرونی شامل تأیید خانوادگی و اجتماعی، ملامت یا تحسین خانوادگی و اجتماعی و طرد یا جذب خانوادگی و اجتماعی است.

گفتنی است کارکردهای نرم نهاد خانواده را صرفاً نمی‌توان به ابعاد آشکار فرهنگی و اجتماعی محدود کرد، زیرا کارکردهای نرم، در حوزه کارکردهای غیرمستقیم و به تعبیری پنهان نیز قابل شمارش و تجزیه و تحلیل هستند.

کارکرد سخت خانواده

الف ابعاد سیاسی: به‌نظر می‌آید ابزار گروه‌ها، در این بعد اعم از خانواده و دیگر نهادها، مشتمل بر زور، اقتدار، سلطه و جاذبه در روند تعاملات اجتماعی است. در این نوع از تعامل نقش دولت و پلیس، برجسته است. در این بعد گروه‌هایی دارای روابط سرد و همچون دو حریف در مقابل هم قرار می‌گیرند و هنجارهای تولید شده مبتنی بر روابط، تعارض آمیزند. کشمکش و نزاع از هنجارهای بدیهی در روابط بین خانواده و سایر گروه‌ها در این بعد است و نهادهای حقوقی و پلیسی عموماً نقش میانجی دارند.

ب ابعاد اقتصادی: ابزار ارتباطات اجتماعی در حوزه اقتصاد، پول یا منابع مادی، انگیزه‌ها یا تمایلات مادی، فعالیت‌های اقتصادی و روابط مبادله‌ای هستند. افراد در تعاملات فردی و اجتماعی خود بر مبنای محاسبه‌گری و

را به دانش‌آموزان انتقال دهد تا بدین وسیله بسترهای لازم برای تأمین امنیت اجتماعی نیز فراهم آید.

نظام آموزش و پرورش می‌تواند به روش‌های متفاوت به شرح زیر، مفهوم امنیت اجتماعی را در دانش‌آموزان نهادینه کند:

۱ گنجاندن فرهنگ امنیت اجتماعی در کتاب‌های درسی؛

۲ تشریح جایگاه قانون و هنجارهای اجتماعی به‌عنوان مبانی امنیت اجتماعی؛

۳ اهتمام به افزایش آگاهی اجتماعی دانش‌آموزان از طریق ارتباط و همکاری با نیروی انتظامی؛

۴ تبلیغ و تحکیم جایگاه و عملکرد نیروی انتظامی به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت اجتماعی مردم؛

۱ رصد کردن اطلاعات و اخبار مرتبط با حوزه امنیت اجتماعی و انتقال آن به دانش‌آموزان؛

۶ اهتمام به آموزش مسائل بزهکاری به‌عنوان آسیب اجتماعی و تهدیدکننده امنیت اجتماعی؛

۷ تحکیم مبانی مذهبی، اخلاقی و اعتقادی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأمین امنیت اجتماعی؛

۸ تأکید بر نقش ارزشی حجاب و عفاف به‌عنوان تضمین امنیت اجتماعی؛

۹ تحکیم هویت ملی از طریق تبلیغ تاریخ، فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی و زبان و ادبیات.

نقش رسانه‌ها در آموزش امنیت اجتماعی

امروزه رسانه‌ها به‌عنوان حلقه ارتباطی بین خانواده و جامعه نقش بسزایی در آموزش و تأمین امنیت اجتماعی افراد ایفا می‌کنند. رسانه‌ها تأثیر قدرتمندی بر رفتارها و هنجارهای اجتماعی دارند، به طوری که از هر جنبه به تأثیرات رسانه‌ها توجه شود، اهمیت آموزش از طریق رسانه‌ها و تأثیر آن بر تغییر نگرش‌ها، باورها و رفتارهای مرتبط با امنیت اجتماعی ملموس و مشهود است. تأثیرگذاری رسانه‌ها روی مخاطبان نوجوان و جوان به مراتب بیش از سایر گروه‌هاست، چراکه ذهن نانوشتۀ این دسته از مخاطبان آمادگی دریافت و ثبت هرگونه اطلاعات بدیع و نو را دارد.

تجربیات آموزش رسانه‌های نشان داده است که مشکلات اجتماعی پایدار، از جمله تهدید امنیت اجتماعی را می‌توان از طریق آموزش عمومی برطرف کرد. برخی دلایل اثبات این موضوع عبارت‌اند از:

۱ رسانه‌ها راهی مؤثر برای آموزش گروه‌های بزرگ جمعیت هستند.

هزینه و فایده با مسائل برخورد می‌کنند و در تمام مراودات، نقش منافع مادی برجسته می‌شود. در این زمینه گاه شاهد تخریب روابط عاطفی بین اعضای خانواده هستیم. در این بُعد مانند بُعد سیاسی، تضادها خیلی عریان نمی‌شوند. بنابراین خانواده در درون خود به ساخت مراودات و آداب و سنن اجتماعی ویژه‌ای مبادرت می‌کند که مبتنی بر تعاملات اقتصادی بین اعضاست. این شکل از تعامل، در چارچوب محیط مفهومی خود، ظرفیتی از امنیت‌سازی اجتماعی را متبلور می‌سازد که ضریب شکنندگی آن قابل توجه است.

جامعه‌شناسان غرب جایگزینی روابط اقتصادی به‌جای روابط عاطفی را در تعاملات اجتماعی موجب افول کارکردهای نهاد خانواده می‌دانند. آن‌ها معتقدند با انتقال تولید اقتصادی از مزرعه به کارخانه، افراد خانواده دیگر به‌صورت یک واحد با یکدیگر کار نمی‌کنند و همراه با نیاز کارگران به کار در کارخانه، وظایف اصلی خانواده به نهادهای تخصصی دیگر واگذار شد (تافلر، ۱۳۷۱: ۴۰). این روند ضمن رخنه در شکل سنتی نهاد خانواده، حذف و یا تنزل تعاملات عاطفی و کاهش کارکرد هویت‌سازی اجتماعی آن، ناظر بر انجام محاسبات هزینه و فایده در ارتباطات بین فردی و خانوادگی است که نقش مؤثری در تأمین امنیت اجتماعی ایفا نمی‌کند.

نقش آموزش و پرورش در آموزش امنیت اجتماعی

نهاد آموزش و پرورش پس از خانواده در جامعه پذیر کردن افراد و کسب هویت اجتماعی و ملی توسط آن‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کند. این نهاد با تربیت قشر تحصیل کرده به ارتقای سطح امنیت اجتماعی جامعه کمک می‌کند. در واقع برنامه‌ریزی نظام آموزشی باید به‌گونه‌ای باشد که به‌وسیله کتاب‌های درسی و برنامه‌های پرورشی، فرهنگ بومی و ملی

امروزه رسانه‌ها به‌عنوان حلقه ارتباطی بین خانواده و جامعه نقش بسزایی در آموزش و تأمین امنیت اجتماعی افراد ایفا می‌کنند. رسانه‌ها تأثیر قدرتمندی بر رفتارها و هنجارهای اجتماعی دارند، به طوری که از هر جنبه به تأثیرات رسانه‌ها توجه شود، اهمیت آموزش از طریق رسانه‌ها و تأثیر آن بر تغییر نگرش‌ها، باورها و رفتارهای مرتبط با امنیت اجتماعی ملموس و مشهود است



نتیجه گیری

خانواده از جمله نهادهای اجتماعی است که می تواند در پیدایش یا زوال امنیت نقش اساسی داشته باشد. خانواده اولین محیطی است که انسان در آن با معنی حقیقی امنیت در کنار اعضای خانواده آشنا می شود. کسب امنیت فردی در دوران کودکی می تواند زمینه ساز رشد اجتماعی و امنیت اجتماعی در آینده باشد. در نظریه فرهنگی امنیت، مهم ترین عنصر برای ایجاد، نگهداشت، کنترل و پایداری امنیت، فرهنگ است بر این اساس ابتدا امنیت باید از کودکی در خانواده تأمین شود و فرد در محیط خانواده معنا و مفهوم حقیقی امنیت را در همه ابعاد آن تجربه کند. سپس در مدرسه فرهنگ امنیت در کتاب های درسی گنجانده شود و با آموزش و تکرار رسانه های به طور مداوم امنیت اجتماعی درونی گردد.

منابع

۱. آشوری، داریوش (۱۳۷۰). دانش نامه سیاسی. نشر مروارید. تهران.
۲. حسینی دشتی، سید مصطفی، فرهنگ معارف و معاریف (ج ۲). مؤسسه فرهنگی آرایه. تهران.
۳. خلیلی، رضا (۱۳۸۱). «مهاجرت نخبگان، پدیده اجتماعی یا موضوع امنیت ملی». فصل نامه مطالعات راهبردی. سال پنجم، شماره دوم.
۴. زمانی، علی اکبر (۱۳۸۶). «نقش و کارکرد نهاد خانواده در تأمین امنیت اجتماعی». فصل نامه دانش انتظامی. سال نهم، شماره دوم.
۵. سلطانی فر، محمد (۱۳۸۷). آموزش رسانه های تأمین و امنیت اجتماعی. کارگاه، دوره دوم، شماره سوم.
۶. صالحی امیری، سیدرضا و افشاری نادری، افسر (۱۳۹۰). «مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران». فصل نامه راهبرد. سال بیستم، شماره ۹.
۷. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان.
۸. کونن، بورس (۱۳۷۶). درآمدی بر جامعه شناسی. انتشارات توتیا. تهران.
۹. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵). «گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی». فصل نامه مطالعات امنیت اجتماعی. سال دوم، شماره ۴ و ۵.
۱۰. وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۸). مبانی جامعه شناسی. انتشارات خردمند. تهران.
11. Bilgin pina. (2003) Individual and social Dimen-tions of security Internationl studies. Reriew. Vol 5 Issue 2.
12. Catford, J(1995) The mass media is dead: Long Live multimedia. Health Promotion International, 10
13. Goetschel, Lavrent (1999) Globalization and security: The challenge of collective Action, Ex pertem kologuim. Dar Euangelische Akade mic Locum, Vol,10, bis12.
14. whitehead. b. (2000) usiny muss media within heath Promoting Practice Jurnal of Advanced media, 32(4).

۲ تمام افراد جمعیت حتی لایه های پنهان را پوشش می دهند.

۳ رسانه ها بر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی تأثیر می گذارند.

۴ رسانه ها شاخصی از میزان جدی بودن مشکل ارائه می کنند.

۵ به مردم کمک می کنند که با تقلید از الگوها، رفتار خود را تغییر دهند.

۶ به مردم منافع ناشی از تغییر رفتار را می آموزند.

۷ درافزایش آگاهی و تغییر نگرش و عملکرد فردی و اجتماعی مؤثرند.

۸ اطلاعات و توصیه هایی برای زندگی سالم ارائه می دهند.

۹ در آموزش مهارت ها و تشویق اعتماد به نفس نقش مؤثری دارند.

۱۰ قادرند با ارائه برنامه تصویری با هویت مشارکتی، حمایت مادی و معنوی کسب کنند
(cat ford,1995 :247-251)

با این حال، راهبردهای رسانه های در حوزه امنیت اجتماعی زمانی بیشترین تأثیر را خواهند داشت که عوامل زیر را مدنظر داشته باشند:

۱ پیام معتبر و مرتبط با مخاطبان باشد.

۲ پیام به راحتی برای مخاطبان قابل درک و دستیابی باشد.

۳ پیام تشویق کننده باشد و علاقه مندی را برانگیزد.

۴ مخاطبان به طور خاص و هدفمند دسته بندی شده باشند.

۵ راهبردها، اهداف را واقع گرایانه و کوتاه مدت تعیین کنند

۶ بسیج رسانه ای برای ایجاد امنیت اجتماعی ایجاد شود.

۷ رسانه ها در این راستا، از سوی مراکز و نهادهای رسمی پلیس و نیروی انتظامی حمایت شوند.

۸ از ارائه پیام های منفی با هدف بهره برداری مثبت پرهیز شود.

۹ پیام در زمان های مناسب، به صورت طبقه بندی شده و منظم و نه یکباره و پیچیده منتشر شود.

۱۰ برنامه رسانه ای به گونه ای واقعی ارزشیابی شود تا برای برنامه های آینده بتوان از نتایج آن سود برد.

۱۱ قرار دادن نیازهای مخاطبان در اولوی بالاتر از اهداف نیروی انتظامی و پلیس در راستای امنیت اجتماعی
(whitehead,2000:807)